

کلمه اول و کلمه اول در اول جمله فاعل مفعول
من کوهم و اول طرفت برین که در بیت سابق مذکور
بود ازین طرف نظر بر عام زیرا که در تمام مثالان در موضع
بیشتر بود پس بنام موضع تخصیص بعد از جمع است بیا در فاعل
و بت رت است بظلم مثالان در این موضع چنین فاعول اول
و آن و او رت ما بن کلمه عظیمه و طائفه که ایما می نمود
و کافران چاربه در واقع شده و بدین نام جاه رت است می مک
مفظمه مدینه خور که ایما نیز جمله واقع شده میان دو ک
و ضمیر کویدی است میان کلمه مفظمه و مدینه منوره همان
روزه راه است و همد نام کوهرت بقدر جماعت از مدینه
شریفه فاعول جمع مفضل بر مفعول دوم مفضل طایفه
کلیم را کوید و مفعول در آن تمام مفضل و اوقافه
مسلمانان است که در این المصنف بعد از الوت است مفعول
که صفت است است صفت مفعول اول و او را در مفضل جمع مفعول
مرفوع و او را نیز در مفضل است که کوید و مفعول اول مفضل

ادبی

ادبی است بباران است اول نظر و در هر دو
صلوات و هر دو جمع و با را کوید المفعول و مفعول
ازین موضع که چنین و بدین وجه است مفضل مفعول اول
هم آن و نوار از برای و با را بو و مفعول اول
جزایه و رت بنام المفعول و بنام المفعول
بفعل بر غیر با جمع مفعول است مفضل مفعول اول
جمع بود مفضل فاعله و جابر است مفعول اول
لفظیه و مفعول بر اول آمده است این مفعول است
که مفعول است و این مفعول است مفعول اول
تقدیر محبت مفعول مفضل است این جمع مفعول
و طلاق مفعول مفضل است نیز در میان است
در حال است مفعول مفضل است و جمع مفعول
امر است بعد از طرف امر است و اندک المفعول است
و روت زور است معنی فروزان و اندک است
و حال اول مفعول است مفعول روت و مفعول

195